



فلسفه تشریح روزه

مولوی نذیر احمد سلامی^۱
(مذهب: حنفی - استان سیستان و بلوچستان)

چکیده

انسان موجودی است دو بُعدی، بعد حیوانی و بعد ملکوتی. عینیت بخشیدن به مفهوم واژه انسان منحصر در حفظ توازن میان بعد حیوانی و ملکوتی است. انسان با غلبه و ارتقاء بعد ملکوتی می‌تواند بر فرشتگان فائق شود. تمام تکالیف شرع از جمله روزه به خاطر این هستند که نفس حیوانی را تابع نفس ملکوتی قرار دهند و نفس ملکوتی مقتضیات و خواسته خود را برای نفس حیوانی مطرح کند و از وی بخواهد که به خواسته‌هایش جامه عمل بپوشاند. تا از این طریق نفس حیوانی منقاد و مطیع نفس ملکوتی شده و مفهوم روزه و سایر تکالیف شرع محقق شوند. در این نوشتار به برخی مسائل در رابطه با فلسفه تشریح روزه پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: نفس حیوانی، نفس ملکوتی، اولاد و آدم، فرشته‌ها، روزه.

جایگاه انسان

موجودات زنده خداوند متعال در جهان هستی به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول: حیوانات که دارای وجودی تک بُعدی هستند؛ گروه دوم موجودات ملا اعلی یعنی فرشتگان مقرب درگاه الهی. گروه سوم فرزندان آدم و حوا و اجنه که دارای دو بعد حیوانی و ملکوتی هستند.

۱-عضو مجلس خبرگان رهبری.

فرزندان آدم و حوا با نام انسان شناخته می‌شوند. واژه انسان در حق فرزندان آدم و حوا زمانی صدق پیدا می‌کند که توازن میان بعد حیوانی و ملکوتی را حفظ کرده باشند و با ارتقاء بخشیدن به بعد ملکوتی در برابر بعد حیوانی بر فرشتگان الهی برای برتری یابند.

برای حفظ منصب انسانی لازم است که بعد حیوانی بنی نوع انسان که خوردن و نوشیدن و بهره‌مندی از لذات نفسانی بدون قید و محدودیتی است، مقهور و مغلوب بعد ملکوتی شود. تردیدی وجود ندارد که اوج ارتقاء و غلبه بعد حیوانی در راحت طلبی و رفاه مطلق در غرایز تحقق می‌یابد و پرداختن به لذتهای شهوانی خارج از چارچوب ادیان الهی مؤثرترین عنصر شکل دهنده و احیا کننده بعد حیوانی است. کلیه پیروان ادیان و مذاهب بر این اتفاق نظر دارند که تنها راه کنترل بعد حیوانی و غلبه بعد ملکوتی در محدود ساختن شکم و شهوت است بدین معنا که خوردن و نوشیدن و پرداختن به لذتهای نفسانی کمتر مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

این از یک طرف و از طرفی دیگر هدف شرع مبین سرکوب و از بین بردن غرایز جنسی و طبیعی نیست بلکه هدف اصلی تابع نمودن و منقاد ساختن نفس حیوانی و مقتضیات آن برای تربیت نفس ملکوتی است. بدین صورت که نفس حیوانی بر اساس اراده و اشاره نفس ملکوتی تصرف کند و رنگ و بوی ملکوتی را بپذیرد و نفس ملکوتی توان امتناع



و خودداری از پذیرفتن فرمان و رنگ و بوی نفس حیوانی را در خود ایجاد کند و نقش زشت او را بر جسد پاک خود نپذیرد و همانند نقش انگشتری که بر موم نرم می‌چسبد، نباشد. و این هدف ارزشمند، یعنی تسلیم شدن نفس حیوانی در برابر نفس ملکوتی و خودداری نفس ملکوتی از اطاعت نفس حیوانی محقق نمی‌شود جز آن‌که نفس ملکوتی بخشی از خواسته‌ها و مقتضیات خود را برای نفس حیوانی مطرح کرده و از او بخواهد که به خواسته‌ها و مقتضیاتش جامه عمل بپوشاند و در برابر نفس ملکوتی راه تمرد و سرکشی را در پیش نگیرد و این خواسته را دائماً و به طور مستمر از وی مطالبه کند تا نفس حیوانی این خواسته‌ها را تمرین نموده و به آنها عادت کند.

این خواسته‌ها و مقتضیات ذاتی نفس ملکوتی بصورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:
الف) خواسته‌هایی که وجود و دوام آنها بر نفس ملکوتی باعث انشراح، شادابی و انبساط هستند ولی برای نفس حیوانی یا بعد حیوانی موجب ملال و انقباض اند. مانند تشابه پیدا کردن با موجودات ملا اعلی و دسترسی به عالم جبروت. زیرا این دو جریان از ویژگیهای نفس ملکوتی هستند و نفس حیوانی فرسخها از این دو ویژگی فاصله دارد.

ب) نوع دوم خواسته‌هایی هستند که نفس حیوانی آنها را اقتضا نموده یا از وجود آنها لذت می‌برد و در تجاوزگری خود به طرف آنها گرایش پیدا می‌کند و این هر دو معنی در روزه تحقق می‌یابند.

مدت زمان روزه چقدر می‌باشد؟

از آن جهت که استمرار روزه در تمامی روزها و ساعات عمر برای عامه مردم مقدور نمی‌باشد، زیرا مردم در تمامی روزها و ایام زندگی با انواع خوردنیها، نوشیدنیها و ابزار لذات نفسانی آمیزش دارند و غرایزشان همواره آنان را تحریک می‌کند، حکمت خداوندی ایجاد می‌کند، انسان مؤمن بعد از هر فاصله زمانی مناسب، مفهوم روزه را در خود به گونه‌ای احیا کند تا حکایت از غلبه نفس ملکوتی بر نفس حیوانی داشته باشد و با تأمین مقتضیات خود به شادابی و انبساط دست یابد و کوتاهیهای خود را جبران کند و به تعبیری

نفس ملکوتی مانند اسبی می‌باشد که با یک طناب دراز که یک سرش به پای آن بسته و سر دیگرش به حلقه‌ای گره خورده است و آن اسب پس از حرکت به راست و چپ همیشه به جای اصلی‌اش بر می‌گردد. آری، روزه گرفتن بعد از هر فاصله زمانی یازده ماه نوعی استمرار حکمی محسوب شده و در حکم مداومت حقیقی است هر چند که مداومت حقیقی در کاستن خورد و نوش و لذت‌های جنسی و شهوانی نیست.

چه مقدار از خوردن و نوشیدن کاسته شود؟

کاستن از خورد و نوش و لذت جنسی باید تعریف شده و حد مشخصی داشته باشد، تا افراد در مقدار لازم با افراط و تفریط مواجه نشوند و مقداری را از پیش خود تعیین نکنند، ممکن است روزه در چنین حالتی مفید فایده نباشد و کاستن بیش از حد قطعاً موجب استیصال و نابودی نفس می‌شود.

باید توجه داشته باشیم که روزه تریاکی است برای زدودن سموم روحی و روانی و در عین حال موجب مجروح یا تضعیف مرکب نفس است. لازم است که زمان و ساعات آن بر حسب قاعده «الضرورة تقدر بقدر الضرورة»؛ یعنی آنچه که ضروری است در حد رفع نیاز و ارزش استفاده می‌شود. طراحی گردد و عقلاً دو روش برای تقلیل طعام و عینیت بخشیدن به مفهوم روزه وجود دارد: یکی این که خوردن و نوشیدن به حداقل مقدار ممکن محدود شود و دوم این که مقدار طعام کاسته نشود بلکه فاصله میان وعده‌های غذایی طولانی‌تر گردد.

آنچه در ادیان الهی و شرایع بدان توجه شده است روش دوم است، زیرا این روش آسان‌تر است و در عین حال که مقدار فتور در نفس حیوانی ایجاد می‌کند، طعم گرسنگی و تشنگی را نیز به نفس می‌چشانند و نفس حیوانی را با چرت و سراسیمگی موجب نموده و او را مغلوب می‌کند و از بین نمی‌برد. و روش اول، نفس را به نابودی می‌کشاند و نه این که اثر مطلوب روزه را در پی ندارد، بلکه ممکن است تا پایان رمضان روزه‌دار را به سوی قبرستان سوق دهد.

علاوه بر این استفاده بسیار اندک از طعام نمی‌تواند ضابطه‌مند و فراگیر باشد و ممکن است نوعی انتشار و پراکندگی را موجب شود. زیرا که مردم در خوردن طعام دارای مزاج و سلايق متفاوت هستند. ممکن یک فرد با دویست گرم طعام سیر شود و دیگری برای سیر شدن به چند برابر این مقدار نیاز داشته باشد، دویست گرم که یک شخص را کفایت می‌کند در حق دیگری شاید احجاف باشد و تا پایان زمان روزه او را از پا در آورد که چنین چیزی هرگز از اهداف شرع مبین نمی‌تواند باشد.

اما طولانی کردن فاصله میان وعده‌های غذایی روشن است زیرا تمام عرب و عجم و سایر انسانهای دارای طبیعت و مزاج سالم بر آن اتفاق دارند و به راحتی می‌توان این روش را ضابطه‌مند، قانونمند و فراگیر نمود. چون اکثر مردم وعده‌های غذایی خود را در قالب شام و نهار تنظیم می‌کنند و حذف ناهار با طولانی کردن وعده غذایی. اکتفاء به افطاری ظرف ۲۴ ساعت بهترین روش برای عینیت بخشیدن به معنی و مفهوم روزه است، هم نفس حیوانی را از بین نمی‌برد و به نابودی کامل نمی‌کشاند و هم طعم گرسنگی و تشنگی را به روزه‌دار می‌چشانند.

آیا طولانی‌تر کردن فاصله را می‌توان به رأی مکلفین موکول نمود؟

هرگز! زیرا چنین چیزی مغایر با موضوع تشریح است و قانونمند هم نمی‌تواند باشد. مثل معروفی وجود ندارد که می‌گوید: «من السترعی الذئب فقد ظلم» یعنی هر کس امر حفاظت گله به گرگها را بسپارد قطعاً ستم کرده است. دادن اختیار در عبادات نفلی و مستحبی به خود مکلف مشروع است، اما در فرائض خیر. این فاصله بسیار طولانی نباید باشد (مثلاً سه شبانه روز) زیرا چنین چیزی علاوه بر این که مغایر با موضوع شرع و وضع احکام است، برای همه مردم قابل عمل هم نیست؟

حکمت روزه ایجاب می‌کند که روزه مکرر باشد. یعنی پیاپی باشد تا نفس آن را تمرین نموده و عادت کند و نفس حیوانی مغلوب نفس ملکوتی شود و گرنه یک بار گرسنگی و تشنگی و امتناع از بهره گرفتن در لذت جنسی هر چند طولانی باشد، نمی‌تواند نتیجه

مطلوب را به بار آورد. برای مغلوب و مقهور کردن بعد حیوانی نفس انسان باید به مقداری از ساعات و روزها کفایت کرد تا نفس از یک طرف ریشه کن و مستاصل نباشد و از طرفی دیگر برای همگان اعم از، عرب و عجم، غافل و بیدار، شهری و دهاتی شناخته شده و غیر مبهم باشد.

نکات مذکور می‌طلبند که روزه، یک روز کامل را تا مدت یک ماه کامل احاطه کند و ضابطه‌مند و قانونمند باشد، زیرا کمتر از یک روز کامل تأخیر وعده غذایی به حساب می‌آید نه روزه، حتی چنین تأخیری برای بعضیها عادت می‌باشد و این روزه بهتر است که در ساعات روز باشد نه در ساعات شب، زیرا ترک خوردن و نوشیدن در شبها عادت است نه عبادت، علاوه بر این ترک طعام در ساعات شب حائز هیچ‌گونه اهمیت معنوی نیست و کمتر از یک ماه نیز آثار مطلوب را بیار نمی‌آورد و هدف شارع را تأمین نمی‌کند و بیش از یک ماه، (مثلاً دوماه پیاپی) ممکن است باعث هزال و لاغری مشخص شده و زمینه فرو رفتگی چشمها و تقلیل دید را فراهم بیاورد.

مقدار روزه از طلوع فجر تا غروب آفتاب محدود می‌شود چون حساب عرب و ساعات روزش همین بوده، و روزه عاشورا که در زمان جاهلیت میان اعراب مرسوم بود ساعات روزش از طلوع فجر تا غروب آفتاب بود. آغاز و انتهاء ماه منوط به رؤیت هلال است. زیرا ماه نزد عرب به همین روش محاسبه می‌شد. محاسبات اعراب در آن روزگار مبتنی بر ماههای قمری بود نه شمسی و از آن جهت که وضع احکام شرع برای همگان است و هدف از روزه اصلاح توده‌های مردم عرب و عجم است، مصلحت ایجاب می‌کرد که انتخاب این ماه اختیاری نباشد و به خود مکلفین موکول نشود تا هرکس ماهی را برای خود در نظر بگیرد که روزه گرفتن در آن ماه برایش آسان باشد، اگر چنین بود باب بهانه جوئی و گریز از انجام تکلیف برای مردم باز می‌شد و باب امر به معروف و نهی از منکر بسته می‌شد و بزرگترین رکن اسلام که همان امر به معروف و نهی از منکر است، به خاموشی می‌گرائید. علاوه بر این انجام این تکلیف و اجتماع کثیری از مسلمانان بر انجام یک رسالت در زمان واحد به گونه‌ای که هر کدام دیگری را در به جا آوردن این رسالت

می‌بیند نوعی مساعدت و همکاری در ایفای وظیفه بحساب می‌آید، مشکل کار را آسان می‌کند و همگان را در راستای انجام رسالت تشویق و تشجیع می‌کند. چنین اجتماعی موجب نزول برکات ملکی و ملکوتی بر خواص و عوام می‌شود و زمینه را برای نزول انوار کاملین بر ناقصین مهیا می‌سازد و دعای مقربان به غیر مقربان فراگیر می‌شود و آنگاه که معین و مشخص بودن ماه صیام برای تحصیل مصالح مذکور واجب گردید بی‌تردید ماهی بهتر از ماه نزول قرآن وجود نداشت و ندارد. ماه نزول قرآن ماهی است که از هر دو جهت باعث مکنت و توانمندی امت محمدی (ص) است و ماه نزول قرآن و احتمال شب قدر است.

بسیار مناسب بلکه ضروری به نظر می‌رسد مقدار و میزان مراتب روزه به گونه‌ای تبیین می‌گردید که نیاز هر قشر را تأمین نماید، یعنی نیاز افراد سست، خواب آلود، کم حوصله، و نیاز افراد آگاه و بیدار، نیاز افراد پر کار و نیاز افراد فارغ و واجد فرصت، مرتبه‌ای که با ترک آن اصل مشروع و پروژه روزه ترک می‌شد و مرتبه‌ای کاملتر که روش و شیوه محسنین و هدف سابقین است، مشخص می‌شد.

مرتبه‌ای اولی که برای افراد پر مشغله و تنبلان است همان روزه گرفتن ماه مبارک رمضان و اکتفاء به فرائض پنج‌گانه است، برای تبیین این حدیثی با این شرح وارد شده است «من صلی العشاء و الصبح فی الجماعه فکانما تام اللیل» (رواه احمد). هر کس نماز عشاء و صبح را با جماعت بخواند مانند آن است که تمام شب را در عبادت گذرانده است و مرتبه دوم به لحاظ کیفی و کمی زائد بر مرتبه اولی است و آن عبارت از زنده نگاهداشتن تمام شبهای رمضان، حفاظت کردن زبان و سایر اعضا و جوارح، روزه شش روز از شوال، سه روز از هر ماه (ایام بیض ۱۴، ۱۳ و ۱۵) روزه عرفه و اعتکاف عشره اخیر (ده روز آخر رمضان).

فهرست منابع

- ۱- حجة الله البالغه فصل سوم، ولی الله دهلوی.
- ۲- فلسفه عبادت باب صوم، امام ابوالاعلی مودودی.